



«تاریخ معلم انسان هاست.»

امام خمینی

اشاره

در بیان اهمیت و جایگاه درس تاریخ در تمام سطح‌های آموزشی، سخن امام (ره)، با همه‌ی کوتاهی، رساترین گفتارهاست. مطالعه‌ی تاریخ به ویژه در مقطع آموزش متوسطه، افق دید جوانان را وسعت می‌بخشد، تأمل، تعمق و خوب اندیشیدن را به آنان می‌آموزد، تجربه‌های تلخ و شیرین گذشته را به عنوان سرمایه‌ای گران‌بها، ره‌توشه‌ی فرداهای روشن و امیدوارشان می‌سازد، و آن‌ها را بسیار زودتر از معمول، به مسائل زمان خود آشنا و آگاه می‌کند.

قرار دادن «تاریخ معاصر ایران» به عنوان درسی عمومی در کنار درس‌های تخصصی، نشان از اهمیت و جایگاه خاص این درس دارد. اگر درس تاریخ معاصر ایران به صورتی روان، شیرین، اثرگذار و جذاب ارائه شود و حس مسؤلیت‌پذیری دانش‌آموزان را برانگیزد، در شکل‌گیری هویت فرهنگی و اجتماعی نسل جوان و آینده‌ساز این دیار نقش به‌سزایی خواهد داشت. از این رو شایسته است، آموزش تاریخ معاصر ایران، فراتر از ۲ واحد درسی دبیرستان، و در گستره‌ی ملی مورد توجه قرار گیرد.

آنچه در پی می‌آید، چگونگی علاقه‌مندسازی دانش‌آموزان به درس تاریخ معاصر ایران را شرح می‌دهد؛ البته نه یافته‌های پژوهش که بیش‌تر بیان صمیمی تجربه‌های یک دبیر تاریخ است. تجربه‌هایی که در دوره‌ای ده ساله از تدریس تاریخ به دست آمده است، برای کسانی که در آغاز کارند، شاید خالی از فایده‌ای نباشد.

الف) توصیف وضعیت موجود یا طرح مسأله

از اوایل پرداختن به تدریس به عنوان دبیر تاریخ، دریافتیم که تقریباً همه‌ی دانش‌آموزان به درس «تاریخ معاصر ایران» علاقه ندارند و از کلاس درس تاریخ، کتاب تاریخ و معلم آن گریزانند. تصور می‌کردم، این دشواری تنها خاص من است. در گفت‌وگو با دیگر دبیران تاریخ، مسأله را مطرح کردم و معلوم شد که آن‌ها هم به نوعی با این دشواری، یعنی بی‌علاقه بودن دانش‌آموزان به درس تاریخ معاصر ایران، روبه‌رو هستند و هر کدام می‌کوشند، به شیوه‌ای مشکل را حل کنند یا از شدت آن بکاهند. بعدها که به عنوان سرگروه آموزشی تاریخ انتخاب شدم، فرصتی فراهم شد تا مسأله را بیش‌تر و دقیق‌تر بررسی کنم. از دبیرستان‌های گوناگونی بازدید کردم و با مدیران، معاونان، مشاوران و دبیران تاریخ به گفت‌وگو نشستیم و نظرات آن‌ها را پیرامون این مسأله جمع آوردیم. تقریباً همه‌ی آن‌ها، در اصل مسأله، یعنی بی‌علاقه بودن دانش‌آموزان به تاریخ، هم عقیده بودند. نمونه‌هایی از گفته‌های ایشان را نقل می‌کنم:

● مدیر یک دبیرستان دخترانه: «روزی که دبیر تاریخ ما امتحان می‌گیرد، بقیه‌ی درس‌ها تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند و باعث اعتراض دبیران دیگر می‌شود.»

● مدیر یک هنرستان پسرانه: «از دبیر تاریخ امسال گله مندم. چنان دانش‌آموزان را از درس بیزار کرده است که نه تنها بیش‌تر آنان در نوبت اول افتاده‌اند، بلکه میانگین نمرات درس تاریخ شش کلاس،

چگونگی علاقه‌مندسازی دانش‌آموزان به درس

تاریخ معاصر ایران



محمد گودرزی

دبیر تاریخ دبیرستان شاهد پسرانه بروجرد

۹۶ / ۱۰ شده است» این مدیر در تأیید سخن خود، به نموداری اشاره می‌کرد که به دیوار دفتر نصب شده بود.

● دبیر تاریخی که مدرک فوق‌لیسانس تاریخ داشت: «به‌رغم علاقه‌ی فراوان به رشته‌ی تاریخ، کلاس درس برایم حکم جهنم را دارد و از ناچاری به کلاس می‌روم.»

● دبیر تاریخی یکی از مدرسه‌های خاص: «تاریخ معاصر ایران را همچون درس‌های ریاضی و شیمی باید جدی گرفت و در امتحانات آن باید سخت‌گیری کرد. دلیلی ندارد که شمار قبول‌شدگان درس تاریخ از درس‌های دیگر بیش‌تر باشد.»

● مدیر یک دبیرستان پسرانه: «از رفتار دبیر تاریخ با دانش‌آموزان گله دارم. او نمی‌تواند با دانش‌آموزان رابطه‌ی صمیمانه داشته باشد.»

● مدیر یک هنرستان دخترانه: «متأسفانه، میزان ریزش دانش‌آموزان پایه‌ی سوم کار و دانش در درس تاریخ معاصر ایران، از درس عربی که به نظر من سخت‌ترین درس هاست، بیش‌تر است.»

از مجموع گفته‌های همکاران دریافتم که بیش‌تر آن‌ها، با مشکل بی‌علاقه بودن دانش‌آموزان به درس تاریخ معاصر ایران روبه‌رو هستند؛ مشکلی که خود عامل اصلی افت درسی و ریزش دانش‌آموزان در امتحان تاریخ به شمار می‌رود. ناگفته نماند، در میان همکاران، چند نفر هم بودند که دانش‌آموزان به آن‌ها و کلاس درسشان بسیار علاقه داشتند. نکته‌ای که جلب توجه می‌کرد، احترام خاصی بود که دیگر همکاران، مدیران، معاونان و حتی دانش‌آموزان برای این چند نفر قائل بودند. تا آن‌جا که می‌توانستم، روش تدریس این همکاران موفق را بررسی کردم و از تجربه‌های موفق آن‌ها یادداشت برداشتم تا در آینده، خود به کار گیرم.

بررسی وضع موجود، صورت مسئله را برایم روشن ساخت که آن‌را با دو پرسش زیر مشخص کردم:

۱. چرا دانش‌آموزان پایه‌ی سوم به تاریخ معاصر ایران علاقه ندارند؟
۲. چگونه می‌توان دانش‌آموزان را به درس تاریخ معاصر ایران علاقه‌مند ساخت؟

ب) گردآوری اطلاعات و بررسی داده‌ها

غیر از مشاهده‌ی مستقیم آنچه خود در کلاس با آن برخورد داشتم، از مصاحبه و پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات بهره گرفتم. پرسش‌نامه‌ها را میان دانش‌آموزان خودم، در دو گروه مدرسه‌ی خاص و عادی دولتی، که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، توزیع کردم. دانش‌آموزان باید به پرسش‌های طرح شده، به دقت پاسخ می‌دادند؛ بی‌آن‌که نام خانوادگی خود را بنویسند. در پرسش‌نامه، چند سؤال تشریحی برای بیان نظرات دانش‌آموزان گنجاندم تا نکته‌های مهم، در حد امکان بیان شوند. مصاحبه‌ها به صورت رسمی انجام نشدند، بلکه نتیجه‌ی گفت‌وگوهای عادی و خودمانی بودند که با برخی مدیران، مشاوران و دبیران تاریخ داشتم.

نمی‌خواستیم با طرح مصاحبه‌ی رسمی، حساسیت‌های احتمالی همکاران را سبب شوم. از این‌رو احساس می‌کنم، مطالبی که از گفت‌وگوی عادی با آن‌ها به دست آوردم، به واقعیت‌ها نزدیک‌ترند.

پس از مطالعه و بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده، عوامل مؤثر بر بی‌علاقگی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان را به درس تاریخ معاصر ایران، به این شکل دسته‌بندی کردم:

۱. عوامل مرتبط با کتاب درسی

نظام آموزش و پرورش ایران، بر پایه‌ی کتاب محوری استوار است. بنابراین، ویژگی‌های کتاب درسی، بر آموزش دانش‌آموزان به شدت اثر می‌گذارد. کتاب تاریخ معاصر ایران، حدود ۱۵ سال پیش تألیف شده و در این مدت، بنا به دلایل فراوان، بازنگری اساسی در آن صورت نگرفته است.

ایرادات عمده‌ی کتاب را در دو بخش شکل و محتوا، می‌توان به صورت خلاصه چنین برشمرد:

● حجم زیاد: تمام دانش‌آموزان و دبیران تاریخ از حجم زیاد کتاب گله‌مندند. این کتاب ۲۳۰ صفحه‌ای، پر از مطالب متنوع است، در حالی که دیگر کتاب‌های درسی، به مراتب از حجم کم‌تری برخوردارند. برای مثال، کتاب بینش اسلامی سال سوم دبیرستان که مانند تاریخ معاصر ایران درسی عمومی است، ۱۳۰ صفحه دارد. ناگفته نماند، در بیش‌تر رشته‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کارودانش، حجم کتاب‌های درس‌های تخصصی، از این هم کم‌تر است.

● فصل‌بندی نامناسب: این کتاب شامل ۲۳ درس است که به لحاظ حجم و شمار صفحه‌ها با یکدیگر تناسبی ندارند. درس‌های اول، دوم و سوم به‌رغم محتوای سنگین و دشوار، هر کدام در چهار صفحه خلاصه شده‌اند، اما درس‌های پایانی که مطالب نسبتاً ساده‌تری دارند، هر یک به بیش‌تر از ۲۰ صفحه می‌رسند.

● پراکندگی مطالب: پیوستگی مطالب و حفظ ترتیب زمانی رویدادهای تاریخ، از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب‌های تاریخی است. در کتاب تاریخ معاصر ایران، این ویژگی چندان دیده نمی‌شود. برای نمونه، در درس‌های دوم، سوم و چهارم، دانش‌آموزان روابط خارجی قاجاریه با سه کشور فرانسه، انگلیس و روسیه را به‌طور جداگانه و جزئی مطالعه می‌کنند، بی‌آن‌که نمای کلی از تاریخ قاجاریه و حتی موقعیت و اهمیت جهانی ایران در ذهن داشته باشند. بی‌تردید یکی از علت‌های مهم این پراکندگی را باید در حذف تدریجی مطالب کتاب تاریخ دانست. به یاد داشته باشیم، حجم اولیه‌ی این کتاب بیش از ۳۰۰ صفحه بوده است.

● نثر ناموزون: کتاب از نثری ساده، روان و دلنشین برخوردار نیست. بیش‌تر دانش‌آموزان، هنگام مطالعه‌ی آن به دشواری برمی‌خورند. خوشبختانه در ویرایش جدیدی که از مطالب تاریخ معاصر ایران برای

افزودن به «تاریخ ایران و جهان ۲» مخصوص رشته‌ی علوم انسانی به عمل آمده، به این نکته توجه شده است.

● **نگارش ژورنالیستی:** کتاب تاریخ معاصر ایران، در شرایط زمانی خاص و به شیوه‌ی کاملاً ژورنالیستی به رشته‌ی تحریر درآمده است. به کار بردن جملات احساسی، بزرگ یا کوچک کردن برخی رویدادها، دخالت دادن صریح غرض‌های شخصی یا گروهی و... از ارزش‌های این کتاب به عنوان اثری درسی و علمی، به شدت کاسته‌اند. یک سونگري و داوری شتابزده‌ی مؤلفان، سبب شده است که بدون در نظر گرفتن واقعیات، تمام شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران، به دو دسته‌ی خوب و بد تقسیم شوند. این تقسیم‌بندی، جدا از تحریف تاریخ، قدرت ارزیابی و نقد علمی را از دانش‌آموزان می‌گیرد و نوعی نفرت و بدبینی را نسبت به تاریخ، به صورت کلی، و تاریخ معاصر ایران به صورت خاص، در آنان برمی‌انگیزد.

بدیهی است، دانش‌آموزان حق دارند نتوانند با این کتاب ارتباط برقرار کنند. حدود ۸۰ درصد دانش‌آموزانی که به پرسش‌ها پاسخ گفتند، به کتاب تاریخ معاصر ایران به کلی اعتماد نداشتند و ۲۰ درصد دیگر، از اعتمادی کم یا متوسط یاد کردند.

۲. علل مرتبط با دبیران تاریخ

در نظام آموزشی ما، معلم نقش رابط میان دانش‌آموز و کتاب درسی را برعهده دارد. چنانچه این نقش به خوبی ایفا شود، هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده، تحقق می‌یابند که خود، حد مطلوب برنامه‌ریزان نظام آموزشی است. اما کم‌ترین کاستی در اجرای این نقش ممکن است، به دلزدگی دانش‌آموز از درس، کتاب و مدرسه بینجامد.

متأسفانه شرایط اقتصادی-اجتماعی حاکم بر کشور، موانع بسیاری را در راه ایفای نقش معلمی به وجود آورده است. این موانع، از مشکلات معیشتی گریبان‌گیر جامعه‌ی فرهنگیان ناشی می‌شود و ناخواسته، به کاهش توان معلمان و در نتیجه افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌انجامد. معلمان تاریخ نیز از این قاعده‌ی کلی مستثنا نیستند. برخی از ایشان در کنار معلمی، به شغل دیگری اشتغال دارند و برخی دیگر، تمام ساعات کاری هفته را به تدریس مشغولند. ناگفته نپساید، این شیوه‌ی کار کردن فرصتی برای تدریس مطلوب و استاندارد، یعنی ۲۰ تا ۲۴ ساعت تدریس در هفته، باقی نمی‌گذارد. بی‌علاقه بودن برخی دبیران تاریخ به کار معلمی و حتی به رشته‌ی تاریخ را هم می‌توان عامل دیگری در زدگی دانش‌آموزان از درس تاریخ دانست.

هنگامی که دبیر، کلاس تاریخ را برای خود زجرآور می‌داند، پیداست که دانش‌آموزان چه برداشتی از چنین کلاسی خواهند داشت! علاوه بر این، منحصر ماندن دانش و مطالعات دبیر تاریخ به آموخته‌ها و مطالعات دوران تحصیل در دانشگاه، نه تنها او را از توجه به مسائل

جدید و جذاب امروزی باز می‌دارد، بلکه کلاس تاریخ را به شکل بازاری برای او و شاگردانش کسالت‌آور می‌کند. از طرف دیگر، چون کتاب تاریخ معاصر ایران تنها به وقایع سیاسی دوران معاصر پرداخته است، نظر به حساسیت‌هایی که نسبت به طرح مسائل سیاسی وجود دارد، دبیران تاریخ معمولاً از وارد شدن به بحث‌های مهم و جذاب سیاسی خودداری می‌کنند، تا بیهوده زیر سؤال نروند و تدریس آنها فعالیت موافق یا مخالف شخص، گروه و جناح خاصی تعبیر نشود.

از این رو، دبیران تاریخ ناچارند، با نادیده گرفتن هدف‌های اصلی آموزش تاریخ، کاملاً سطحی و گذرا با این درس برخورد کنند. در نتیجه‌ی چنین برخوردی، امکان هر گونه شور، هیجان، نشاط و تلاش فکری پیرامون مسائل تاریخی، از دانش‌آموز گرفته می‌شود. ضمن آن که دانش‌آموز احساس می‌کند، درس تاریخ معاصر ایران، در زندگی تحصیلی و اجتماعی او اثری ندارد.

در تکمیل این دشواری‌ها، باید از سختگیری‌های طاقت‌فرسا و بی‌مورد برخی دبیران تاریخ یاد کرد که دانش‌آموزان را از کلاس تاریخ بیزار می‌کند. این قبیل دبیران می‌گویند، تاریخ درس پراهمیتی است و چیزی کم‌تر از فیزیک، ریاضی، شیمی و... ندارد. پس دانش‌آموز وظیفه دارد، همه‌ی مطالب کتاب تاریخ را نکته به نکته بخواند و حفظ کند. به اعتقاد ایشان، امتحان تاریخ باید جدی‌ترین امتحانات باشد. در مقابل شماری دیگر از دبیران تاریخ قرار دارند که کلاس درس را بسیار ساده و سطحی، و در کم‌تر از ۳۰ دقیقه خلاصه می‌کنند. توضیح مختصر پیرامون هر درس، مشخص کردن چند نکته‌ی مهم امتحانی و رها کردن دانش‌آموزان به حال خود، روش معمول این گونه دبیران است. اگر دانش‌آموز از کلاس معلمان گروه پیشین احساس بی‌زاری کند، ممکن است به کلاس این گروه از معلمان علاقه هم داشته باشد. زیرا بیش‌تر زمان کلاس را به تفریح، گفت‌وگو و شوخی با دانش‌آموزان دیگر سرگرم است.

۳. عوامل مرتبط با نظام آموزشی

درس‌های رشته‌های متفاوت متوسطه، به دو گروه عمومی و تخصصی تقسیم شده‌اند. درس‌های عمومی، درس‌هایی هستند که آموختن آن‌ها برای ارتقای بینش علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دانش‌آموز دوره‌ی متوسطه ضرورت دارد. درس‌های اختصاصی، درس‌هایی هستند که دانش‌آموز با گذراندن آن‌ها، پایه‌ی علمی یا عملی مناسبی برای ورود به بازار کار و اشتغال یا ادامه‌ی تحصیل در سطوح عالی‌تر را در یک رشته یا گرایش خاصی کسب می‌کند.^۲ بر پایه این تعریف که از سوی طراحان نظام آموزشی متوسطه بیان شده است، درس‌های عمومی، از چنان اهمیتی برخوردارند که تمامی دانش‌آموزان در مقطع متوسطه، به گذراندن آن‌ها نیاز دارند. برخی از این درس‌ها، با محتوای یکسان در تمام شاخه‌های تحصیلی ارائه می‌شوند که به آن‌ها، درس‌های مشترک

می گویند.

تاریخ معاصر ایران، درس مشترک دانش آموزان سال سوم تمام رشته‌ها، به جز علوم انسانی است. این درس دو واحدی، دو ساعت از برنامه‌ی هفتگی دانش آموزان را در برمی گیرد. با توجه به حجم زیاد کتاب، گستردگی مطالب و اهمیت بالای موضوع، دو ساعت، زمان بسیار کمی برای تدریس تاریخ معاصر ایران است. از این رو معلم ناچار می شود، مطالب را در نهایت اختصار درس دهد. این کاستی، مانع ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی دانش آموزان خواهد شد. یعنی هدفی که طراحان نظام آموزشی مورد نظر داشته اند، در عمل تحقق نخواهد یافت. به این کاستی، باید نکته‌های دیگری را هم افزود. از کتاب تاریخ معاصر ایران در کنکور رشته‌های ریاضی فیزیک، علوم تجربی، فنی و حرفه‌ای، کارودانش و هنر، سؤالی نمی آید. در المپیادهای گوناگون علمی نیز «تاریخ» جایگاهی ندارد. حتی بر خلاف دیگر درس‌های نظری پایه‌ی سوم دبیرستان یا هنرستان، ظاهراً این ارزش را هم ندارد که از آن، آزمون نهایی به عمل آید.

این عوامل در کنار کم توجهی و گاه بی توجهی بیش تر مدیران مدرسه‌ها به درس تاریخ، این درس را بیش از هر زمان دیگری به حاشیه رانده است. در پرستشی که از دانش آموزان به عمل آمد، بیش از ۹۰ درصد آن‌ها تاریخ معاصر ایران را درسی فرعی و نه عمومی، دانستند. حدود ۸۰ درصد آن‌ها خواندن این درس را بی نتیجه عنوان کردند و تنها ۲۰ درصد، آن‌را کم اهمیت، متوسط یا مهم دانستند. همگی دبیران تاریخ می گفتند که در جلسه‌های شورای دبیران، هرگز درس تاریخ معاصر ایران مورد عنایت مدیران مدرسه‌ها نبوده است. هیچ دبیر تاریخی به یاد نداشت که رئیس اداره‌ی آموزش و پرورش برای یک بار هم که شده، در جلسه‌ای عمومی، از اهمیت تاریخ معاصر ایران سخنی گفته باشد!

ج) انتخاب راه حل

عوامل مؤثر بر بی علاقه‌ی دانش آموزان به درس تاریخ معاصر ایران، تقریباً مشخص شدند. اما این عوامل بیش تر به مسائلی خارج از کلاس درس و محدوده‌ی کاری دبیر ربط داشتند. با این حال، در مقام سرگروه آموزشی، موضوع را در گروه طرح کردم. بیش تر همکاران که به نوعی درگیر این موضوع بودند، در نشست‌های متعدد گروه، با بیان تجربه‌های عملی خود راه‌حلهایی پیشنهاد کردند. این پیشنهادها در مجموع می توانست برای یک دبیر تاریخ علاقه مند، بسیار راه گشا باشد. با جمع آوری نظرات دبیران پیرامون کتاب درسی، نقدی نسبتاً جامع و کامل فراهم و به «دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی» ارسال شد. هر چند، تا امروز اقدام مؤثری در جهت برطرف کردن ایرادهای این کتاب انجام نشده است، با این حال، به عنوان دبیر تاریخ و در محدوده‌ی کلاس‌های خودم، راه‌حلهایی را به کار بسته‌ام که برخی از آنها عبارتند از:

۱. چرا تاریخ می خوانید؟ با طرح این پرسش ساده در نخستین

جلسه‌ی کلاس، از دانش آموزان خواستیم که به دور از پاسخ‌های کلیشه‌ای معمول، پاسخی صادقانه دهند. بسیاری از آن‌ها گفتند: «تاریخ می خوانیم تا از آن نمره بگیریم.» به آن‌ها وعده دادم که اگر به شرایط ساده‌ای که من می گویم، عمل کنند، به راحتی می توانند در این درس موفق شوند و نمره‌ی بسیار خوبی بگیرند. در واقع، کم ترین چیزی که ممکن است در کلاس تاریخ کسب کنند، یک نمره‌ی خوب و عالی است.

۲. چرا تاریخ می خوانیم؟ حال که خاطر دانش آموزان را از گرفتن

نمره تا حدود زیادی آسوده کردم، با طرح مجدد این سؤال و با استفاده از مطلب ساده و مهمی که از کتاب «تاریخ در ترازو»^۱ دکتر زرین کوب تهیه و بین دانش آموزان توزیع کرده بودم، به صورت جدی وارد بحث شدم. در همان جلسه‌ی اول، دانش آموزان پی بردند که خواندن تاریخ برای همه‌ی مردم مفید است زیرا: «تاریخ به این دلیل مورد نیاز است که به زندگی و عمل انسان کمک می کند.»

۳. با توجه به طرح درس، مطالب هر درس را به دو بخش مطالب مهم و حاشیه‌ای تقسیم کردم. از دانش آموزان خواستم که توجه خود را به مطالب اصلی و مهم معطوف دارند. به بیان دیگر، بررسی علت‌ها و نتایج رویدادهای تاریخی را اصل قرار دادم و کم تر به جزئیات پرداختم. این تقسیم‌بندی، تاریخ را در دید دانش آموزان علمی روشمند جلوه می داد و آن‌ها را از دردرس حفظ کردن سلسله‌ای از رویدادهای محض، باز می داشت.

۴. برای تفهیم بهتر درس‌ها، از نقشه، عکس تاریخی و گاه فیلم سینمایی استفاده کردم.

با مراجعه به کتاب‌های معتبر تاریخ معاصر، تصویرهای مناسبی از شخصیت‌های مشهور، مکان‌های معروف، وضع زندگی مردم، روزنامه‌ها و نشریات، و... تهیه کردم. دانش آموزان از تماشای این تصویرها لذت می بردند. به علاوه، نمایی از آنچه را که در کتاب می خواندند، می دیدند و باموضوع درسی ارتباط بهتری برقرار می کردند، مثلاً اگر در درس هفتم، ماجرای مسینونوز بلژیکی را می خواندند، با تماشای تصویر او در لباس روحانیت، این مطلب را بهتر می فهمیدند.

۵. با بیان گزیده‌ای از زندگی اجتماعی مردم ایران در دو قرن گذشته، بحثی که در کتاب تاریخ معاصر جای آن خالی است، بر علاقه‌ی دانش آموزان به درس افزودم. در این باره از دو کتاب ارزشمند «تهران قدیم» و «تاریخ اجتماعی تهران»، نوشته‌ی جعفر شهری، بیش ترین استفاده را بردم. تصویرهای این دو کتاب از تهران قدیم، چهره و پوشاک مردم، مکان‌های عمومی مانند مسجدها، حمام‌ها، مکتبخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و... به همراه توضیحات کامل نویسنده از آداب، رسوم و باورهای مردم، برای تمام دانش آموزان تازگی داشتند و جذاب بودند. هر چند پرداختن به آن بخش، زمان و توان زیادی

طلبید، اما نتیجه‌ای که از آن به دست آمد؛ بسیار ارزشمند بود: «دانش‌آموزان پی بردند که تاریخ تنها شرح رویدادهای طبقه‌ی حاکم نیست، بلکه آینده‌ی تمام نمای زندگی مردم عادی است.»

۶. برخی مسائل تاریخی را به شکل مقایسه‌ای طرح کردم و نتیجه‌گیری را به دانش‌آموزان واگذاشتم. مثلاً بدون ارائه‌ی توضیح، چند نمونه از روزنامه‌های دولتی و غیردولتی عصر ناصری را تکثیر کردم و به دانش‌آموزان دادم. آن‌ها با مقایسه‌ی این دو گروه روزنامه، ویژگی‌های هر کدام را نوشتند. نتیجه بسیار عالی بود: «روزنامه‌های دولتی، بیش‌تر به جزئیات، تعارفات غیرلازم و مطالب‌نه‌چندان‌مهم می‌پرداختند، اما روزنامه‌های غیردولتی، خارج از نظارت حکومت، به مسائل اساسی و پیشرفت‌های کشورهای اروپایی، نقد دولت‌مردان و... توجه می‌کردند.» نوشتن چنین مطالبی توسط دانش‌آموزان، اهمیت فراوان داشت.

۷. فکر کنید و پاسخ دهید. استفاده‌ی به‌هنگام از این جمله‌ی ساده، ذهن دانش‌آموزان را درگیر درس کرد و ارزش و اهمیت تاریخ را نزد آن‌ها بالا برد. تاریخ دیگر درس حفظ‌کردنی نبود. آن‌ها باید می‌اندیشیدند و با بهره‌گیری از توان فکری خود به سؤالی که طرح شده بود، پاسخ می‌دادند. چند نمونه از این سؤالات از این قرارند:

- امروز اهمیت کشور ایران در جهان، به چه دلایلی است؟
- به نظر شما، فرقه‌هایی مانند باییت و بهابیت، در کدام شرایط اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آیند؟
- به نظر شما، چرا اصلاحات قائم‌مقام‌فراهانی و امیرکبیر ناکام ماندند؟
- به نظر شما، از فرجام نهضت جنگل چه درس‌هایی می‌توان آموخت؟
- به نظر شما چرا رضاشاه به رغم اصلاحات فراوان، چهره‌ای خوش‌نام نیست؟

۸. از سخنان طنزآمیز اهل فن، مانند دکتر باستانی‌پاریزی، جمالزاده و دهخدا به عنوان چاشنی توضیحات درسی استفاده می‌کردم و این کار، تنوع و جذابیت خاصی به کلاس می‌داد. گاه صدای خنده‌ی دانش‌آموزان، به دیگر کلاس‌ها می‌رفت.

۹. با انجام پرسش مستمر، دانش‌آموزان را با نوع سؤالات امتحانی آشنا ساختم و از نگرانی آن‌ها نسبت به امتحان پایانی و نمره‌ی نهایی کاستم.

۱۰. با دانش‌آموزان به اردوی تفریحی علمی رفتیم و کلاس درس را به طبیعت بردیم. این اردو، جدا از همه‌ی ویژگی‌های خوبی که داشت، به مأنوس شدن بیش‌تر من و دانش‌آموزان انجامید؛ نتیجه‌ی مطلوبی که هرگز در چار دیواری کلاس به دست نمی‌آمد.

د) ارزشیابی راه‌حل‌های انتخابی

نتایج خوبی که از پرسش‌های مستمر و آزمون‌های کتبی دانش‌آموزان به دست آمد، درستی روش‌های به‌کار بسته را ثابت کرد.

دانش‌آموزان با شرکت داوطلبانه در پرسش‌های کلاسی سعی داشتند، بهترین نمره را بگیرند. بعضی وقت‌ها کار به رقابت می‌کشید و تماشای این صحنه، برای من لذت‌بخش بود. میانگین نمرات دانش‌آموزان افزایش یافت. در یک هنرستان عادی حاشیه‌ی شهر که بیش‌تر دانش‌آموزان به لحاظ درسی ضعیف بودند، این میانگین به عدد ۱۴/۵ رسید. از ۱۰۲ دانش‌آموز سال سوم این هنرستان، ۱۰۰ نفر در آزمون خرداد ماه قبول شدند. گفت‌وگو با دیگر همکاران، بر درستی راه‌حل‌های انتخابی صحت می‌گذاشت. مدیر همان هنرستان می‌پرسید، چرا دانش‌آموزان به شما این همه علاقه دارند؟ همکار دبیر زیست‌شناسی می‌پرسید، چه کرده‌اید که دانش‌آموزانتان این همه راحت و علاقه‌مند به انجام امتحان تاریخند؟ همکار دبیر جغرافیا که از دبیران بسیار فعال و موفق است، می‌گفت، دوست دارم بدانم شما در کلاس چه می‌گویید که دانش‌آموزان به درس تاریخ این همه علاقه دارند؟

در کنار این گونه اظهارنظرها، از فرصت‌های مناسبی برای نقد کارم توسط دیگر همکاران استفاده کردم. مدیر دبیرستانی که در دانشگاه هم تدریس داشت، پذیرفت که در کلاس حضور یابد. وی چند نکته‌ی مفید را به من یادآوری کرد. در موردی، پدر یکی از دانش‌آموزان که توسط فرزندش از مطالب کلاس آگاه شده بود، با فرستادن نامه‌ای مفصل، پیشنهادهایی را ارائه داد. اما مهم‌ترین ارزیابی‌ها را از سوی دانش‌آموزان دریافت کردم. در نیمه‌ی پایانی سال تحصیلی، فرصتی به آن‌ها دادم که با آزادی کامل، آنچه را درباره‌ی کلاس می‌خواهند، بنویسند. نتیجه بسیار عالی بود. دانش‌آموزی از این که برخی بحث‌های کلاسی به زنگ تفریح هم کشیده می‌شود، گله کرده بود و دیگری با صمیمیت تمام نوشته بود که اگر می‌توانید، به لباس‌تان اهمیت بیش‌تری دهید؛ زیرا بچه‌ها به معلمی که خوش‌لباس و مرتب باشد، علاقه‌ی بیش‌تری دارند و به درسش اهمیت بیش‌تری می‌دهند. در کنار چنین نکات ریز اما مهمی که به راحتی هم قابل اصلاح بود، تقریباً همه‌ی دانش‌آموزان از افزایش علاقه‌ی خود به درس و کلاس تاریخ یاد کرده بودند. برخی از این اظهارنظرها را می‌آورم:

- حرفی را که می‌خواهم بزنم، یک واقعیت است. من در دوران راهنمایی از درس تاریخ تنفر داشتم، اما خوشبختانه به آن علاقه‌مند شده‌ام... حالا می‌فهمم که من موقعی باید خوشحال باشم که جامعه‌ام، مردم جامعه‌ام، بدون فقر و جهالت زندگی کنند و وقتی غمگین شوم که احساس کنم، مردم جامعه‌ام از نظر فرهنگی و اقتصادی در سطح پائین هستند.

طی یک سال گذشته، ساعت‌هایی که سر زنگ تاریخ گذراندم، کم‌تر ملال‌آور بود و بهترین چیزی که از شما یاد گرفتم، درس زندگی بود، نه مطالب کلیشه‌ای کتاب.

- از سال گذشته، به تاریخ که فکر می‌کردم، تم می‌لرزید. چه

کسی می‌تواند این همه مطلب را به ذهن بسپارد؟! تا وارد کلاس سوم شدم و شما آمدید. در نگاه اول، برداشت من از شما کاملاً عکس چیزی بود که الان در ذهن خود دارم. فهمیدم که انسان شناس خوبی نیستم.

● ... این کلاس باعث شد، کسانی که به مطالعه‌ی تاریخ و سیاست هیچ علاقه‌ای ندارند، علاقه‌مند شوند. شما باعث شدید، تاریخ که در نظر بچه‌ها بالای دیواری بلند و آسمان خراش بود، پائین آورده شود.

● کلاس تاریخ و اضطراب؟! اما تنها سالی است که واقعاً به تاریخ علاقه‌مند شدم و از سراجبار به مطالعه‌ی آن نمی‌پردازم.

● بسیاری از دانش‌آموزان نمی‌دانند که میان اتفاقات دوره‌ی قاجاریه و زندگی کنونی آن‌ها چه ارتباطی وجود دارد. البته مقصر خود آن‌ها نیستند. آن‌ها با پدر و مادرهای زندگی می‌کنند که ورای اتفاقات محله‌ی خود، هیچ نمی‌دانند. شاید برخی از آن‌ها در خانه‌هاشان یک کتاب غیردرسی هم نداشته باشند. . . اما شما فقط به خاطر شاگردانی که نمی‌توانند بدون دانستن بعضی چیزها زندگی کنند، باید به روش بی‌نظیر خود ادامه دهید. منظورم از بی‌نظیر، احتمالاً خوب بودن و جالب بودن و پسندیده بودن کار شما نیست. چون راضی بودن از کلاس، حق همه‌ی شاگردان است. بی‌نظیر، به این دلیل که وجود چنین کلاسی، ممکن است دیگر هرگز برای بعضی‌ها پیش نیاید تا بر معلومات خود بیفزایند. تازه علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به کتابخوانی، خدمت کمی به جامعه نیست.

● قبلاً از کتاب و کلاس تاریخ دل‌خوشی نداشتم. گرچه همیشه در این درس نمره‌ی عالی می‌گرفتم، ولی فقط آن را حفظ می‌کردم. شاید امسال تا حدودی ماهیت تاریخ را دانستم. آموختم که نباید مغرور بود. نباید فقط بگویم شانس و تقدیر، که این اشتباهی بزرگ است. باید در مسائل زندگی تدبیر و اندیشه کرد.

● ایرادی که دارم، به کل مدرسه است. برای ما هشت ساعت حسابان گذشته‌اند، اما تاریخ فقط دو ساعت است. برخی از جلسات تاریخ هم به تعطیلات می‌خورد و یا مشکل پیش می‌آید که جلسات کم می‌شوند. از نظر رئیس دبیرستان اصلاً اهمیت ندارد. چرا مسؤولان، به درسی که به گفته‌ی خودشان انسان‌ساز است، کم‌تر اهمیت می‌دهند؟ بسیار بهتر بود برای علاقه‌مندان تاریخ کلاس اضافی با فضایی بازتر می‌گذاشتند.

● شما با روشی که برای تدریس دارید: ۱. این درس را ساده کردید؟ ۲. ما را به این درس علاقه‌مند ساختید.

● واقعاً شما ما را به درس خواندن امیدوار کردید. یعنی مشکل به این بزرگی، کتاب تاریخ را، خیلی برای ما راحت کردید.

● کلاس شما یکی از بهترین و خاطره‌انگیزترین کلاس‌ها بود؛ زیرا مانند دبیران دیگر، فقط به خاطر نمره سر کلاس نیامدید.

امیدواریم این شیوه‌ی تدریس را تا روز آخر کارتان ادامه دهید. ● از کلاس شما اعتماد به نفس، انتقادپذیری و تفکر عمیق را درباره‌ی مسائل پیرامون آموختم.

● مطالب کلاس شما از کوچک و بزرگ، درس زندگی است و به نظر من، کلاس شما، از تمام کلاس‌ها شیرین‌تر، آموزنده‌تر و برای آینده مفیدتر است. واقعاً انسان می‌تواند از تاریخ به صورت تطبیقی، در زندگی روزمره‌ی خود استفاده کند.

● از کلاس شما آموختم که بدون فکر و تنها از روی احساسات به مسائل نگاه نکنم. از تاریخ همچون چراغی در تاریکی‌های عقلمان می‌توانیم استفاده کنیم. از شما سپاسگزارم که نفرت مرا از درس تاریخ به اشتیاق مبدل ساختید تا کنجکاو شوم و به جست‌وجو برای رسیدن به سؤالات بی‌جواب پردازم.

اگر چه کسانی بودند که از بی‌اعتمادی به دبیر و یا دروغ بودن کتاب تاریخ نوشته بودند، اما مجموع ارزیابی‌ها، از اشتیاق و علاقه‌ی بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزان به روش‌هایی که من به کار گرفته بودم، نشان داشتند و این برای من، موفقیتی مهم بود. به ویژه آن‌که همکارانی که از نزدیک در جریان کارم بودند، این موضوع را تأیید کردند. آمار قبولی دانش‌آموزانم نیز، از این موفقیت حکایت داشت. از مجموع ۴۲۰ دانش‌آموز در هشت دبیرستان متفاوت، فقط سه نفر از شاگردان من نتوانستند در خردادماه ۸۳، در درس تاریخ معاصر ایران، نمره‌ی قبولی بگیرند.

سخن آخر

در سال‌های اخیر، در کار تدریس تاریخ معاصر ایران، خود را موفق دیده‌ام. اما تا چه اندازه؟ آن قدر که خود از کلاس درس لذت می‌برم. اعتقاد دارم اگر دبیر به کارش علاقه نداشته باشد، کلاس درس برایش جهنم خواهد بود. پس می‌کوشم که کلاس، بیش از هر کس، برای خودم لذت‌بخش باشد. از طرف دیگر، اگر چه نتوانسته‌ام علاقه‌ی همه‌ی دانش‌آموزان را به درس تاریخ و یا خودم به عنوان دبیر تاریخ، جلب کنم، اما با بسیاری از آن‌ها دوست شده‌ام. برخوردهای مهربانانه‌ی آن‌ها حتی پس از سال‌ها جدایی‌شان از کلاس و مدرسه، مانع شده‌اند که تا به امروز کار در کلاس درس را رها کنم و به کارهای ستادی و اجرایی پردازم. با این حال اعتقاد دارم، اگر روزی فکر کنم کامل‌ترین روش‌ها را به کار برده‌ام و بهترینم، آن روز آغاز شکست زندگی حرفه‌ای‌ام خواهد بود.

بی‌نوشته‌ها

۱. یادآوری: منظور نویسنده محترم کتابی است که تا سال ۸۳، کتاب درسی بود نه کتاب فعلی. - رشد.

۲. آئین‌نامه‌ی آموزشی دوره‌ی سه‌ساله‌ی متوسطه‌ی روزه، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۹.